



مرکز جهانی علوم اسلامی
جمهوری اسلامی ایران - قم - ۱۳۵۸

مدرسه عالی امام خمینی (ره)

پایان نامه کارشناسی ارشد

گروه فقه و اصول

عنوان

نقش زمان و مکان در اجتهاد

استاد راهنما:

حجة الاسلام والمسلمین آقای دکتر یعقوبعلی برجی

استاد مشاور:

حجة الاسلام والمسلمین آقای احمد قدسی

نگارش: سیدتتویر حیدر رضوی

بهمن ماه ۱۳۸۵

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی
شماره ثبت: ۴۷۴
تاریخ ثبت:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

□ مسؤلیت مطالب مندرج در این پایان نامه به
عهده نویسنده می باشد.

□ هرگونه استفاده از این پایان نامه با ذکر منبع،
بلااشکال است و نشر آن در داخل کشور منوط به
اخذ مجوز از مرکز جهانی علوم اسلامی است.

تقدیر و تشکر

با سپاس بی پایان از خداوند که بر انسان‌ها منت نهاد و به وسیله قلم نوشتن را در طبع او قرار داده است.

و درود و سلام بی کران بر پیامبر(ص) که معلم کتاب و مذکبی نفوس است، و رسولان الهی و ائمه اطهار که ره سعادت را برای بشر هموار نموده‌اند.

به جا و شایسته است که از استاد راهنما جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای دکتر یعقوب‌علی برجی و استاد مشاور جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای احمد قدسی (ره) تشکر کنم، زیرا به مقوله من لم یشکر المخلوق، لم یشکر الخالق، تشکر از مخلوق تشکر از خالق محسوب می‌شود.

زیرا این بزرگواران با راهنمایی‌های عالمانه و مشاوره‌های گرانمایه خود، بنده را در تدوین، تنظیم و تکمیل تحقیق مورد نظر، یاری نموده‌اند.

و نیز از زحمات مسئولین محترم مرکز جهانی علوم اسلامی بالاخص دست اندرکاران بخش پایان نامه کمال تشکر و سپاس گذاری دارم.

توفیق روز افزون همگان را از خداوند علیم و منان مسئلت می‌نمایم.

تقدیم و اهداء

حاصل تلاش خویش را به ساحت مقدس و مولای مان حضرت
بقیة الله الاعظم تقدیم می‌نمایم و ثواب آن را به روح پدر و مادر
بزرگوام هدیه می‌کنم.

امید که خداوند بزرگ ما را در دنیا از محبین راه پیامبر(ص) و آل او

قرار دهد.

و در آخرت از شفاعت آنها بهره‌مند سازد.

آمین یا رب العالمین

چکیده

۱. تحقیق حاضر طی یک مقدمه و پنج فصل و یک خاتمه همراه با جمع‌بندی و نتیجه‌گیری تنظیم شده است.

۲. هدف این پژوهش، نشان دادن جامعیت فقه و توانایی آن برای پاسخگویی به همه نیازهای جوامع بشری می‌باشد.

۳. سؤال اصلی پژوهش عبارت است از: دو عنصر زمان و مکان در اجتهاد چه نقشی را ایفا می‌کنند؟

۴. دو عنصر زمان و مکان، موجب می‌شود در موضوعات احکام دگرگونی‌هایی پدید آید و در نتیجه تغییر در حکم صورت بگیرد، و نمونه‌هایی در جا به جای بحث‌ها از کتب فقهی بزرگان آورده شده است که این مطلب را آشکار می‌سازد.

۵. همچنین دو عنصر زمان و مکان، ملاکات قسمتی از احکام را دگرگون می‌سازد، و در اثر آن در حکم نیز تحول ایجاد می‌شود. از کلام فقیهان برای روشن‌گشتن مطلب یاری جسته‌ایم.

۶. عرف نیز در اثر دو عنصر زمان و مکان دگرگون می‌شود و در پی آن حکم نیز دچار دگرگونی می‌گردد. شواهدی از کلام فقیهان عظام آورده شده تا مطلب واضح‌گردد.

۷. توجه به دو عنصر زمان و مکان، در فهم روایات و حل تعارض اخبار نیز سودمند و کارساز است، چنانکه از نمونه‌های آورده شده می‌توان به این مطلب پی برد.

فهرست مطالب

تقدیر و تشکر	□
تقدیم و اهداء	□
چکیده	□
مقدمه	۱

فصل اول: کلیات

الف - اجتهاد	۴
ب - حکم	۱۵
ج - عرف	۲۷
د) موضوع	۳۵
ه) ملاک	۴۱
و) زمان و مکان	۴۶

فصل دوم: نقش دو عنصر زمان و مکان

مقدمه	۵۵
بحث اول: اصول موضوعه	۵۶
اصل اول: ضرورت دین	۵۶
اصل دوم: اكمال دین	۵۶
اصل سوم: جامعیت دین	۵۸
اصل چهارم: اجتهاد و استنباط	۵۹
بحث دوم: انواع دگرگونی موضوع	۶۰
اول: دگرگونی ماهیت موضوع	۶۱

۶۱	دوم: دگرگونی قیود یا بعضی صفات موضوع
۶۴	سوم: دگرگونی مصادیق موضوع
۶۵	چهارم: دگرگونی اسم و عنوان موضوع
۶۶	پنجم: دگرگونی اضافات و نسبت‌های موضوع
۶۸	ششم: توسعه موضوع
۶۹	هفتم: تضییق موضوع
۷۰	هشتم: پیدایش موضوع جدید
۷۲	بحث سوم: وظیفه تشخیص موضوع
۷۲	اول: دیدگاه شیخ یوسف بحرانی
۷۳	دوم: دیدگاه ملا احمد نراقی
۷۴	سوم: دیدگاه آیه الله محسن حکیم
۷۴	چهارم: دیدگاه صاحب عروة الوثقی
۷۴	پنجم: دیدگاه برخی فقیهان معاصر
۷۸	بحث چهارم: راه‌های شناخت موضوع
۷۸	اول: توجه به جهت صدور
۸۱	دوم: توجه به علل و مصالح موضوعات
۸۳	سوم: توجه به مفاهیم و فرهنگ عرف عرب
۸۷	چهارم: توجه به عرف و مسائل زمان خود
۸۹	بحث پنجم: نقش دو عنصر زمان و مکان در دگرگونی موضوع

فصل سوم: نقش دو عنصر زمان و مکان در دگرگونی ملاکات

۹۲	مقدمه
۹۳	بحث اول: اصول کلی حاکم بر احکام شرعی
۹۳	اصل اول: اصل حسن و قبح عقلی
۹۳	اصل دوم: اصل عدل الهی

۹۴	اصل سوم: اصل تبعیت احکام از مصالح و مفاسد واقعی
۹۵	اصل چهارم: اصل فطری بودن احکام شرعی
۹۶	بحث دوم: تبیین برخی اصطلاحات مربوط به ملاکات
۹۶	یک: علت
۹۹	دو: حکمت
۱۰۰	سه: تنفیح مناط
۱۰۲	چهار: تحقیق مناط
۱۰۳	پنج: تخریج مناط
۱۰۳	شش: تناسب حکم و موضوع
۱۰۵	هفت: الغای خصوصیت
۱۰۵	بحث سوم: راه‌های کشف ملاک
۱۰۵	الف - کشف ملاک از راه نص
۱۰۵	اول: ملاک مستند به نص
۱۰۷	دوم: ملاک مستند به ظهور
۱۰۷	۱. دلالت اقتضاء
۱۰۸	۲. مفهوم موافق (فحوای خطاب یا قیاس اولویت)
۱۰۹	۳. مفهوم مخالف (دلیل خطاب یا لحن خطاب)
۱۱۰	سوم: ملاک مستنبط از نص
۱۱۰	۱. طرد و عکس
۱۱۰	۲. شباهت
۱۱۰	۳. مناسبت
۱۱۱	۴. سبر و تقسیم
۱۱۲	ب - کشف ملاک از راه غیر نص
۱۱۲	اول: توسط عقل

- دوم: عرف ۱۱۵
- بحث چهارم: بررسی ملاکات برخی اقسام حکم ۱۱۵
- یک: ملاک حکم ثانوی ۱۱۵
- دوم: ملاک حکم حکومتی: در زیر برخی از ملاکات حکم حکومتی را معرفی می‌کنیم. ۱۱۶
- بحث پنجم: نقش دو عنصر زمان و مکان در دگرگونی ملاکات ۱۱۸

فصل چهارم: نقش دو عنصر زمان و مکان در دگرگونی عرف

- مقدمه ۱۲۴
- بحث اول: جایگاه عرف در فقه ۱۲۵
- بحث دوم: محدوده تمسک به عرف ۱۲۷
- اول: تشخیص معنی و مفهوم متعلق و موضوع حکم ۱۲۷
- دوم: تشخیص مصداق و نمونه‌های مفهوم و معنی ۱۲۸
- سوم: تشخیص ظواهر و مراد متکلم ۱۲۹
- چهارم: تشخیص حکم ۱۳۰
- بحث سوم: نقش زمان و مکان در دگرگونی عرف ۱۳۱

فصل پنجم: نقش دو عنصر زمان و مکان در حل تعارض اخبار

- مقدمه ۱۳۸
- بحث اول: اهمیت مسئله حل تعارض اخبار ۱۳۹
- اول: صیانت حریم مقدس اخبار و روایات حجج الهی ۱۳۹
- دوم: توقف اجتهاد و استنباط بر حل تعارض ۱۴۰
- بحث دوم: عوامل پیدایش تعارض اخبار ۱۴۱
- بحث سوم: طرق حل تعارض در اخبار و نقش زمان و مکان در آن ۱۴۲
- اول: نقش جداسازی احکام حکومتی از احکام الهی در حل تعارض اخبار ۱۴۲
- دوم: نقش زمان و مکان در حل تعارض اخبار ۱۴۴
- الف - نقش زمان در حل تعارض اخبار ۱۴۵

۱۴۵	۱. روایات متعارض مربوط به تحلیل خمس:
۱۴۹	۲. روایات متعارض مربوط به تحلیل انفال
۱۵۲	ب - نقش مکان در حل تعارض اخبار
۱۵۲	۱. روایت متعارض مربوط به بیع عذره
۱۵۳	۲. روایات متعارض مربوط به وجوب زکات در نه چیز
۱۵۵	خاتمه جمع بندی و نتیجه گیری
۱۶۵	فهرست منابع

مقدمه

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على محمد و آله الطاهرين سيما مولانا صاحب الزمان و خليفة الرحمن الحجة ابن الحسن روى له الفداء.

از روزی که خداوند، عالم و آدم را آفرید و به ممکنات جامعه هستی پوشانید، قلم تکلیف در میان نهاد و آن را معیار آزمون خلاقیت قرار داد، تا هر کدام بهتر عمل کرد و خوب تر فرمان برد، مقامش بالاتر رود و تقرب بیشتری یابد.

بنابراین برای هر فرد خصوصاً مسلمان شناخت تکلیف و وظایف شرعی، در حوادث و رخداد های مختلف، امری لازم و حیاتی است. این تکالیف و وظایف را باید از فقه به دست آورد که فقهای بزرگ اسلام در این راه زحماتی فراوان کشیده و تلاش های جانکاه انجام داده اند و می دهند.

امروزه فقه با توجه به پیشرفت جوامع بشری، پیچیدگی روابط، پیشرفت صنعت، سهل شدن برقراری ارتباط بین کشورهای مختلف با یک چالش بسیار بزرگی رو به رو شده است و آن اینکه چگونه فقهی که بیش از چهارده سال بیشتر با توجه به جامعه بسیط آن روز نازل شده، می تواند پاسخگوی نیازهای نو به نو و بی نهایت بشر امروز باشد؟

حضرت امام (ره) برای پاسخگویی فقه اجتهاد مصطلح را ناکافی خواند و عالمان و فقیهان فرهیخته دینی را هشدار داد تا به اصطلاح اجتهاد از طریق دخالت دادن دو عنصر زمان و مکان در فرایند اجتهاد پردازند. البته چنین نیست که این بحث در فقه ما سابقه نداشته باشد، فقیهان به صورت پراکنده از آن بهره جستند و لیکن به شکل یک قاعده و ضابطه مند نبوده است.

در این پژوهش سعی شده، عنوان‌هایی که ممکن است دو عنصر زمان و مکان مستقیماً در دگرگونی آن نقش داشته باشد و در نتیجه به دگرگونی حکم بینجامد، مورد بحث قرار گیرد. تا روشن شود که مجتهد هنگام اجتهاد و استفاده از نصوص و قواعد اصولی باید به این دگرگونی‌ها توجه داشته باشد و با لحاظ این دگرگونی‌ها به اجتهاد بپردازد.

در این پژوهش در پی پاسخ دادن به سؤالات ذیل هستیم:

۱. مراد از زمان و مکان چیست؟

۲. عناصر ثابت و متغیر در فقه چیستند؟

۳. زمان و مکان چه تأثیری در دگرگونی موضوعات دارد؟

۴. زمان و مکان چه تأثیری در دگرگونی ملاکات احکام دارد؟

۵. دگرگونی عرف‌ها چه تأثیری در دگرگونی احکام دارد؟

نقش دو عنصر زمان و مکان در طول تاریخ اجتهاد در مین فقیهان مطرح بوده است. پیشرفت تدریجی و تکامل فقه و پیدایش فروع متعدد در فقه حاکمی از تأثیر زمان و مکان در اجتهاد فقیهان است و بعضی از فقیهان بزرگوار همانند شهید اول بر تأثیر دو عنصر زمان و مکان در عرفیات تأکید کرده‌اند و در ادامه راه، امام خمینی (ره) بر تئوری «نقش دو عنصر زمان و مکان در اجتهاد» تأکید کرده‌اند. و اندیشمندان برای درک این حقیقت به تکاپو و تحقیق برخواسته و ابعاد این تئوری را مورد توجه قرار داده. و برای روشن شدن ابعاد مسأله، کنگره بین‌المللی تشکیل و مجموعه آثار این کنگره به فرهنگ مکتوب کشور عرضه گردید. متأسفانه مقالات کنگره پراکنده و هریک به زاویه‌ای توجه کرده و از بعدی مسأله را بررسی کرده‌اند و تاکنون تحقیق جامعی انجام نگرفته. لذا نیاز تحقیق جامعی است.

هدف این پژوهش نشان دادن جامعیت فقه و توانایی آن برای پاسخگویی به همه نیازهای

جوامع بشری می‌باشد.

فصل اول: کلیات

- اجتهاد

- حکم

- عرف

- موضوع

- ملاک

- زمان و مکان

الف- اجتهاد

تعریف اجتهاد

در لغت: تعریف اجتهاد در لغت از این قرار است:

۱. ابن منظور در «لسان العرب» می‌گوید: **جُهْدٌ** و **جُهدٌ** هر دو به معنای طاقت و توان است. و گفته شده است که **جهد** به فتح جیم به معنای مشقت و سختی و **جهد** به ضم جیم به معنای طاقت و توان است.

و واژه اجتهاد از همین ماده «جهد» گرفته شده است، که یا به معنای «تحمل سختی و مشقت» است. لذا گفته می‌شود «اجتهد فی حمل الریحی» و گفته نمی‌شود «اجتهد فی حمل الخردله». یا به معنای «بذل توان و طاقت در طلب کردن امری» است سپس ابن منظور احتمال داده است که هر دو معنی متقارب باشند.^(۱)

۲. ابن اثیر در «نهایه» می‌گوید: **جُهدٌ** به ضم جیم به معنای به کارگیری تمام توان است و **جهد** به فتح جیم به معنای مشقت و سختی در کار است.

و اجتهاد عبارت است از سختی و کوشش در جهت جستجو و طلب کردن امری.^(۲)

۳. راغب در مفردات «در ذیل ماده **جهد**» می‌گوید:

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۳۹۵-۳۹۷.

۲. ابن اثیر، النهایه، ج ۱، ص ۱۱۹.

جهد و جهد هر دو به معنای توان و مشقت است و گفته شده است که جهد به فتح جیم به معنای مشقت و به ضم جیم به معنای توان است.

و اجتهاد به معنای «اخذ النفس ببذل الطاقه و تحمل المشقه» می باشد. (۱)

۴. مصطفی رحیمی در ترجمه «المنجد» می گوید که جهد و جهد و مجهود به معنای تاب و

توان و طاقت و توانائی است، و گفته می شود «بذل جهده و مجهوده» یعنی تمام نیروی خود را به

کار برد.

و «اجتهاد فی الامر یعنی در آن کار کوشش و جدیت کرد.» (۲)

نتیجه گیری

با ملاحظه ای معناهای که لغت شناسان ذکر کردند، معلوم شد که از نظر آنها واژه «ج ه د» به

معنای به کارگیری تمام تلاش و کوشش، در حد توان برای انجام دادن کاری سخت و پر

مشقت است.

و اجتهاد از باب افتعال به معنای تحمل تلاش و مشقت است و معمولاً در مورد کارهای

سخت به کار می رود.

در اصطلاح

الف - از دیدگاه فقیهان شیعه

۱. سید مرتضی: «اجتهاد عبارت است از اثبات احکام بغیر نصوص و دلائل شرعی یا اثبات

۱. المفردات راغب ذیل ماده جهد، ص ۹۹.

۲. ترجمه المنجد.

احکام شرعی با آنچه راه آنان امارات و ظنون است»^(۱)

۲. علامه حلی: «اجتهاد بکار گرفتن کوشش در تحصیل ظن به حکم شرعی است.»^(۲)

۳. محقق داماد: «علماء در تعریف اجتهاد گفته‌اند اجتهاد بکار گرفتن حد اعلاّی کوشش و

توان برای بدست آوردن مسائل فرعی بر مبنای اصول است.»^(۳)

۴. فخرالدین طریحی: «اجتهاد مبالغه در کوشش است و در اصطلاح نقل شده است در بکار

بردن همه توان و کوشش در آنچه در آن مشقت و سختی و رنج است تا ظن به حکم شرعی

حاصل شود. و مجتهد اسم فاعل از اجتهاد است و او عالم به احکام شرعی از دلایل

تفصیلی است.»^(۴)

۵. میرزای قمی: «اجتهاد بکار بردن همه توان در تحصیل حکم شرعی فرعی از دلایل آن

است برای کسیکه دلایل و احوال دلایل را می‌شناسد و دارای نیروی قدسی آن چنانه‌ای است که

به سبب آن به مطلق رد فرع بر اصل توانا است.»^(۵)

۶. آخوند خراسانی: «اجتهاد بکار بردن همه توان در تحصیل و یافتن حجت بر حکم شرعی

می‌باشد.»^(۶)

۷. شیخ بهایی: «اجتهاد ملکه‌ای است که به وسیله آن انسان توانائی استنباط حکم شرعی را

به دست آورد.»^(۷)

۱. سیدمرتضی علی بن حسین موسوی، الذریعه، ج ۲، ص ۷۹۲.

۲. علامه حلی، حسن بن یوسف مطهر، مبادی الوصول الی علم الاصول، ص ۲۴۰.

۳. محقق داماد، مباحثی از اصول فقه، دفتر اول، مبحث الفاظ، ص ۱۳.

۴. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۲-۳۳.

۵. محسنی، نقدی بر اخباری‌گری، ص ۲۲۵.

۶. آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسن، کفایة الاصول، ج ۲، ص ۴۲۲.

۷. شیخ بهایی، الذبده، ص ۲۳۵.

۸. آیه الله خویی: «اجتهاد بکار بردن توان برای تحصیل حجت بر واقع یا بر وظیفه فعلی ظاهری است.»^(۱)

۹. امام خمینی (ره): «تفریح بر اصول را اجتهاد گویند.»^(۲)

۱۰. شهید مطهری: «اجتهاد یعنی کشف و تطبیقی اصول کلی و ثابته بر موارد جزئی و متغیر.»^(۳)

۱۱. آیه الله مشکینی: «اجتهاد بکار بردن توان در راه وصول به احکام شرعی است.»^(۴)

ب - از دیدگاه فقیهان اهل سنت

۱. محمد بن ادریس شافعی: «قیاس و اجتهاد دو اسم برای یک معنی می باشد.»^(۵)

۲. مصطفی عبدالرزاق: «ایشان اجتهاد را مترادف استحسان، رأی، استنباط و قیاس قرار داده است.»^(۶) یعنی چند اسم برای یک معنی.

۳. ابوبکر رازی: «ایشان اجتهاد را بر سه معنی اطلاق کرده است.»^(۷)

الف - قیاس شرعی: به دلیل اینکه علت چون موجب حکم نبوده است برای اینکه امکان دارد خالی از حکم باشد (یعنی علت ناقصه باشد نه علت تامه و کامل) از این رو علت سبب حصول علم به مطلوب نمی شود پس راهش اجتهاد رأی است.

۱. آیه الخوئی، الرأی السدید فی الاجتهاد والتقلید، ص ۹.

۲. امام خمینی (ره)، الرسائل، ج ۲، ص ۱۲۵.

۳. مرتضی مطهری، مقدمه بر جهان بینی اسلامی، وحی و نبوت، ص ۱۵۰.

۴. علی مشکینی اربیلی، تحریر المعالم، ص ۱۶.

۵. به نقل از اصول العامه لفقہ المقارن، الرساله له، ص ۴۷۷، طبعه مصر.

۶. النص و الاجتهاد قسم الدراسات الاسلامیه، ص ۴۳.

۷. الاصول العامه لفقہ المقارن، ص ۵۶۴.

ب - چیزی که برظن و گمان بدون علت غلبه پیدا می‌کند مانند اجتهاد در وقت قبله و قیمت کالا و جنس.

ج - استدلال به اصول برای اثبات حکم شرعی.

۴. ابن مالک: «اجتهاد سعی و کوشش نهایی در استخراج احکام از دلایل شرعی است.»

۵. ابن سبکی: «اجتهاد عبارت است از بکار بردن همه توان و کوشش برای تحصیل ظن به حکم.»^(۱)

۶. سعیدالدین تفتازانی: «اجتهاد بکار بردن همه سعی و کوشش و توان برای تحصیل ظن به حکم شرعی است.»^(۲)

۷. ابوحامد محمدغزالی: «اجتهاد عبارت است از بذل کوشش و بکار بردن توان درکاری از کارها ولی لفظ اجتهاد در عرف علماء به کاری‌گیری مجتهد توانش را در طلب علم به احکام شرعی.»^(۳)

۸. بیضاوی: «اجتهاد فارغ ساختن همه توان و کوشش در درک احکام شرعی است.»^(۴)

۹. ابن حزم: «اجتهاد بکار بردن توان و طاقت در به دست آوردن حکم الهی است هرچاکه آن حکم پیدا شود.»^(۵)

۱۰. محمدابوزهره: «اجتهاد در اصطلاح علماء اصول عبارت است از بکار بردن فقیه توان خود را در استنباط احکام عملی از دلایل تفصیلی.»^(۶)

۱. اجتهاد و مدی حاجاتنا الیه فی هذا العصر، ص ۹۹، نقل از جمع الجوامع، ج ۲، ص ۳۷۶.

۲. نقدی بر اخباری‌گری، ص ۲۳۵.

۳. المستصفی، ج ۲، ص ۳۵۰.

۴. اجتهاد و مدی حاجاتنا الیه فی هذا العصر، ص ۱۰۴، نقل از منهاج، ج ۳، ص ۱۹۳.

۵. الاجتهاد و مدی حاجاتنا الیه فی هذا العصر، ص ۱۰۴.

۶. ابوزهره، اصول فقه، ص ۳۶۵.

نتیجه‌گیری

تعریف‌هایی که ذکر شد، بعضی از محققین امثال محمد تقی حکیم (ره) «صاحب کتاب اصول العامة (فقه المقارن) آنها را به دو بخش خاص و عام تقسیم کرده‌اند.

اجتهاد در اصطلاح خاص عبارت است از اینکه فقیه در صورت نبودن نص، یا تکیه بر تفکر شخصی و ذوق ویژه خود، حکمی را استنباط کند و وقتی از او پرسیده شود، دلیل و مستند تو در این حکم چیست؟ بگوید دلیل و مستند من همان اجتهاد و نظر شخصی من است.

بنابر این معنی، اجتهاد یک منبع مستقل و در عرض کتاب و سنت است که در کتابهای فقه و اصول شیعه با تعبیرهای، اجتهاد باطل^(۱) اجتهاد حرام^(۲) اجتهاد قیاس^(۳) اجتهاد مذموم^(۴) اجتهاد رأی^(۵) یاد شده است.

تعریف‌هایی که برخی فقیهان اهل سنت امثال محمد بن ادریس شافعی مصطفی، عبدالرزاق و ابوبکر رازی (دومعنی از ابتدا) کرده‌اند از همین قبیل می‌باشند و از تعریف سید مرتضی (ره) نیز همین استشمام می‌شود. البته خود ایشان از منکرین این نوع اجتهاد بوده است اما فاضل تونی در کتاب الوافیة فی اصول الفقه پس از نقل تعریف سید مرتضی می‌نویسد: «اجتهاد در کلام سید مرتضی به معنای معروف آن (تعریف خاص) نیست و نکوهش و مذمت در بعضی اخبار درباره این معنی است و گویا همین مطلب انگیزه انکار اجتهاد از طرف سید مرتضی است و این اشتباهی است ناشی از اشتراک لفظی.»^(۶)

۱. سید مرتضی، الذریعة، شیخ آقا بزرگ تهرانی، تاریخ حصر الاجتهاد، ص ۷۸.

۲. شیخ آقا بزرگ تهرانی، تاریخ حصر الاجتهاد، ص ۷۸.

۳. شیخ طوسی، عده الاصول، ج ۲، ص ۱۱۵؛ فاضل تونی، الوافیة، ص ۳۹۴.

۴. روایتی از امامان رسیده است که از این نوع اجتهاد مذمت کرده‌اند.

۵. شهید صدر، دروس فی علم الاصول، محمد مصطفی محقق داماد، مباحثی از اصول فقه، دفتر اول، بحث الفاظ، ص ۱۲.

۶. الوافیة فی اصول الفقه، ص ۲۹۴.